

الگوی مشارکت دولت و مردم در مدیریت اسلامی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه

سحر زمانی نژاد* / عبدالله توکلی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

چکیده

در محیط جهانی، مشارکت دولت و مردم تبدیل به ابزاری مهم برای دستیابی به پتانسیل‌های هر دو بخش مذکور به‌منظور ارائه خدمات بهینه‌شده است. بر اساس تعالیم اسلامی نیز، مشارکت مردم با دولت یکی از اصول بنیادین حکمرانی و نوعی تکلیف دینی محسوب می‌شود. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که الگوی مشارکت دولت و مردم از منظر تعالیم نهج البلاغه چگونه است و نقش و وظایف هر یک از ذینفعان در مشارکت مذکور چگونه تعریف می‌شود. برای انجام پژوهش، از روش کیفی تحلیل مضمون، استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مشارکت اثربخش، از یک الگوی سه لایه‌ای تبعیت می‌کند. به طوری که لایه نخست، مؤلفه‌های فلسفی و بینشی را شامل می‌شود و بنیاد مشارکت در بستر آن شکل می‌گیرد. لایه دوم، مؤلفه‌های پیش‌شرط و ضروری جهت پیاده‌سازی مشارکت را دربر می‌گیرد و لایه سوم، به وظایف و تکالیف طرفین مشارکت می‌پردازد. توجه به نقش و پیاده‌سازی کلیه مؤلفه‌ها در هر سه لایه مذکور، حائز اهمیت است و در تضمین مشارکت اثربخش، مؤثر می‌باشد. امید است نتایج پژوهش حاضر، در ایجاد مشارکت بهینه بین دولت و مردم در جوامع اسلامی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

مشارکت مردمی، مدیریت اسلامی، مدیریت دولتی، نهج البلاغه.

*. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

saharzamani@hotmail.com

atavakkoli@rihu.ac.ir

** . . دانشیار گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ایران.

تمرکز بالای جمعیت، حجم قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی، موضوعات اجتماعی، فناوری، مسائل نظام اداری و سیاسی، همگی از موضوعاتی هستند که امروزه کلیه دولت‌ها با آن سرو کار دارند. به همین دلیل، کشورها با هدف کامیابی ساکنان خود، باید به‌درستی اداره شوند تا از رفاه و منفعت عمومی جامعه، اطمینان حاصل گردد. اما دولت‌ها به‌تنهایی، قادر به پاسخگویی تقاضاهای متعدد جامعه نمی‌باشند و رفاه و سعادت جامعه، در گرو مشارکت کلیه ذینفعان می‌باشد. امروزه، مشارکت دولت و مردم به الزامی برای دولت‌ها تبدیل شده است (آسبرن^۱، ۲۰۰۰م، ص ۲) و بسیاری از دولت‌ها برای اجرای سیاست‌های عمومی کاملاً به بازیگران مردمی وابسته اند. با این وجود، بررسی اثربخشی مشارکت دولت و مردم، در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اقداماتی نظیر اعمال قانون و مقررات و یا توانمندسازی مردمی به‌تنهایی نتوانسته است مبنایی مناسب و مؤثر برای مشارکت ایجاد نماید و ضعف مشارکت عمیق و مؤثر در خدمات عمومی در بسیاری از جوامع هنوز مشاهده می‌شود (لطیفی، دانایی فرد و رحمانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۴۵). در واقع عدم فهم عمیق همکاری توسط طرفین مشارکت و همچنین ضعف در شناسایی، پیاده‌سازی و تجمیع عوامل بنیادین مشارکت از علل مهم در شکست فرآیند مذکور، می‌باشد. همچنین، مشارکت دولت و مردم در هر کشور متناسب با فرهنگ و زیست‌بوم خاص آن کشور، الگوی متفاوتی را به خود اختصاص می‌دهد. البته بدون شک می‌توان از تجربیات مختلف، در این حوزه بهره برد. از آنجاکه در حکومت اسلامی حضور مستمر مردم در عرصه‌های مختلف دولتی یک وظیفه شرعی تلقی می‌شود، دولت‌های اسلامی باید ظرفیت لازم جهت برخورداری از حداکثر قابلیت‌های بخش مردمی را ایجاد نمایند تا از مزایای حاصل از آن در جهت رفاه و منفعت عمومی بهره‌مند گردند. در این راستا، رهنمودهای به‌جامانده از ائمه معصومین یکی از کاربردی‌ترین منابع در مدیریت و نظریه‌پردازی بشمار می‌رود و از آنجاکه از منبع الهی وحی (قرآن) و سنت آخرین پیامبر الهی (اسلام) ﷺ نشأت گرفته است، از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد. در این میان «نهج‌البلاغه» مستندی ارزشمند در باب مدیریت و حکومت است و درک عمیق و اکتشاف مفاهیم و انطباق آن با دانش امروزی پاسخگوی بسیاری از چالش‌های عصر حاضر می‌باشد.



1. Osborne

این تحقیق تلاش می‌کند با بهره از منبع ارزشمند نهج البلاغه، مدل مشارکت دولت و مردم را در جامعه اسلامی استخراج نماید. سؤال اصلی پژوهش، چگونگی الگوی مشارکت دولت و مردم در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه می‌باشد.

۱/۱. مبانی نظری

مشارکت دولت و مردم، به‌عنوان یک ساختار نهادی مبتنی بر همکاری بسیار موردتوجه قرار گرفته است. دولت‌ها برای رفع موانع موجود در بخش دولتی از مشارکت بخش مردمی بهره می‌برند. به‌ویژه، در کشورهای توسعه یافته مشارکت دولت و مردم در بهبود عملکرد جامعه بسیار موردتوجه است. در حوزه‌هایی که بخش دولتی به‌گونه‌ای سنتی و به‌تنهایی قادر به پاسخگویی نیست، مشارکت دولت و مردم می‌تواند در اجابت تقاضاهای جامعه به‌خوبی وارد عمل شود. با این حال، تبدیل یک تئوری به عمل کار ساده‌ای نیست. مطالعات نشان داده است که بسیاری از مردم بیش از حد مشغول مسائل فردی خود هستند و تمایلی به حضور فعال در موضوعات جامعه ندارند (کالین و تاینزمن^۱، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۷). مشارکت دولت و مردم رابطه‌ای مبتنی بر اهداف مشترک است که نقش‌ها و مسئولیت‌ها در فرآیند آن به اشتراک گذاشته می‌شود. در این مشارکت منفعت و رفاه جمع بر منافع فردی ارجح می‌باشد و اختیارات، وظایف و منافع برای هر دو طرف به‌طور مشترک وجود دارد (کسدی^۲ و دیگران، ۲۰۱۹م، ص ۲). مشارکت دولت و مردم رویکردی بر اساس بهره‌برداری از هم‌افزایی ایجادشده در کاربرد مشترک و نوآورانه از منابع و ظرفیت‌های مختلف موجود در جامعه است، جایی که تحقق اهداف بدون مشارکت طرف‌های دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد (جومو^۳ و دیگران، ۲۰۱۶م، ص ۳). تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که سیستم‌های کارآمد دولتی می‌تواند به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های کلیدی در اثربخشی مشارکت دولت و مردم مدنظر قرار گیرد (ایوانز^۴ و دیگران، ۲۰۰۵م، ص ۲۲). یک مشارکت پایدار مستلزم شفاف‌سازی منافع، منابع و مسئولیت‌ها است. علاوه بر این، از آنجاکه هر یک از طرف‌های مشارکت، استراتژی خاص و زمینه نهادی خود را دارد، مشارکت دولت و مردم با مذاکره و تعامل اجرایی می‌شود. درنهایت، این مشارکت، هدف مشترکی را دنبال می‌کند و آن بهبود ارائه خدمات عمومی است.

1. Klijin & Teisman
2. Casady
3. Jomo
4. Evans

عوامل موفقیت مشارکت دولت و مردم

در عصر جهانی شدن دولت‌ها به دنبال جلب همکاری مردمی جهت انجام وظایف عمومی از طریق ایجاد مشارکت مردمی می‌باشند. مشروعیت، اعتماد و ظرفیت‌سازی در توسعه مشارکت فعال و اثربخش حائز اهمیت است. «مشروعیت» نشان می‌دهد اقدامات از نقطه نظر هنجارها، ارزش‌ها و باورهای حاکم بر نظام اجتماعی، مقبول و مطلوب است. «اعتماد» تمایل و گرایش به طرف مقابل را نشان می‌دهد که با پذیرش تعهدات اجتماعی در قالب نوعی همکاری صورت می‌پذیرد و «ظرفیت» به توانایی طرفین جهت ایجاد و مدیریت مشارکت دلالت می‌کند (ماتوس، ماهالینگام و دیولف^۱، ۲۰۱۴م، ص ۵۳). برقراری ارتباط بین عوامل مذکور شرط لازم مشارکت می‌باشد. به طوری که در حکمرانی «ظرفیت» با «مشروعیت» در ارتباط می‌باشد و «پاسخگویی» و «مشروعیت» با مؤلفه «اعتماد» مرتبط است (کسیدی و دیگران، ۲۰۱۹م، ص ۷). با تقویت شفافیت و اقدامات نظارتی و ایجاد یک چارچوب نهادی می‌توان در جهت تقویت پاسخگویی دموکراتیک و ترغیب مردم برای مشارکت با بخش دولتی اقدام نمود. همچنین، ایجاد چارچوب نهادی مناسب به منظور مشارکت دولت و مردم نیازمند آگاه‌سازی و ظرفیت‌سازی در همه این زمینه‌ها می‌باشد. مشارکت و همکاری باعث افزایش کار آبی و انعطاف‌پذیری می‌شود. به طوری که ضعف‌های هریک از طرفین با مشارکت طرف دیگر رفع می‌گردد (ویلانی، گرکو و فیلیپس^۲، ۲۰۱۷م، صص ۸۹۳-۸۹۶). مطالعات نشان می‌دهد که محدودیت ظرفیت بخش دولتی، فقدان اراده سیاسی، بی‌اعتمادی به دولت و عدم وجود فضای نهادی مساعد برای مشارکت، از عوامل مؤثر در شکست مشارکت به شمار می‌رود (سوسیپتو و ورهوست^۳، ۲۰۱۸م، صص ۱۱۴۹-۱۱۵۰).

مشارکت دولت و مردم از دیدگاه نهج البلاغه

از نگاه اسلام، حکومت هیچگاه به منزله جبر و خودکامگی نبوده است. امام علی ع در نهج البلاغه نیز هرگز زمامدار جامعه را «مَلِک» یا «سلطان» خطاب نکرده است. چرا که «سلطان» به معنای سلطه و «مَلِک»، متضمن مفهوم تملک بر سرنوشت مردم می‌باشد. در نهج البلاغه حاکم

1. Matos, Mahalingam & Dewulf

2. Villani, Greco & Phillips

3. Sociopto & Verhoest

جامعه اسلامی با نام «امام» یعنی «رهبر» بیان می‌شود. رهبر فردی است که امت را هدایت و مدیریت می‌نماید. حضرت در برخی موارد زمامدار جامعه را «والی» می‌نامد که حاکی از ولایت و به معنای پیوند و هم‌جوشی دو چیز می‌باشد. در واقع، والی کسی است که امور مردم را بر عهده دارد و با آنان پیوند خورده است. از سویی دیگر امام، مردم را «رعیت» می‌نامد، یعنی افرادی که دارای حق می‌باشند و حاکم جامعه نماینده و وکیل آنان است. مولای متقیان، هرگز مردم را برده و مملوک و خویشتن (زمامدار جامعه) را، مالک و صاحب‌اختیار خطاب نکرده است (واعظی و دیگران، ۱۳۹۷ش، صص ۷۰-۷۲). بنابراین مطابق با رهنمودهای مندرج در نهج البلاغه از یک‌سو، والی و زمامدار (بخش دولتی) قرار دارد که در رأس حکومت می‌باشد و امین و متصدی کارهای مردم است و از سویی دیگر، «مردم» مدنظر می‌باشند که با توجه به ارزش‌ها و تفاوت‌های آنان، رعایت حقوقشان واجب است. البته مردم نیز در قبال حاکم، وظایف و تکالیفی دارند که باید به آن متعهد باشند و به این ترتیب سعادت جامعه تضمین می‌شود. امام علیه السلام، در خصوص ضرورت مشارکت دولت با مردم، در نامه ۲۶ و خطبه ۳۴ تأکید می‌نماید که مردم، تنها یاری‌دهندگان دولت در تحقق حقوق الهی (رسیدن به قرب الهی و سعادت جامعه)، می‌باشند و عدم مشارکت منجر به شکست و انحطاط جامعه می‌شود. ایشان، کل جامعه را به مشارکت با یکدیگر فرامی‌خواند و همکاری زمامداران با تجار و بازرگانان (بخش خصوصی) را لازمه سعادت و منفعت مسلمانان می‌داند. از نظر امام علی علیه السلام، حق زمامدار بر مردم و حق مردم بر زمامدار، بزرگ‌ترین حقی است که خداوند قرار داده و دوطرفه و تعاملی است. ایشان در نامه‌ای برای مأمورین جمع‌آوری خراج، آنان را به رفتار عادلانه و منصفانه و صبر در برخورد با مردم سفارش کرده است (نامه ۲۵). امروزه تمامی مؤلفه‌های مذکور، نقش محوری در جلب اعتماد و تشویق به مشارکت ایفا می‌کنند. هنگامی که امام علی علیه السلام، مالک اشتر را به استانداری مصر منصوب نمود، او را به مهربانی و خوش‌رفتاری با همه مردم دعوت می‌نماید. نقطه اوج تأکیدات مولای متقیان علیه السلام در خصوص مشارکت دولت و مردم، در خطبه ۲۱۶ در صفین است، امام مشارکت «مردم» با «حکومت- بخش دولتی» را مهم دانسته و یک تکلیف دینی بر عهده مردم می‌داند که پذیرش تعهد و انجام آن واجب است. در خطبه مذکور، امام اشاره می‌کند که در حوزه‌هایی که بخش دولتی به‌تنهایی قادر به پاسخگویی نیست، مشارکت مردم یک تکلیف قلمداد



می‌شود و البته رعایت عدالت در مشارکت واجب است. امام حق و تکلیف در دو بخش مذکور را به یک‌میزان مهم و تعهد به آن را وظیفه شرعی و حقوق الهی می‌داند. خداوند سبحان برای من بر شما، به جهت سرپرستی حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است. همچنین، حضرت به ظرافت به تقسیم ریسک در مشارکت می‌پردازد و با حکمرانی و شیوه رهبری خود، همگان را در عصر حاضر به شگفتی وا می‌دارد. امام مشارکت مردم و دولت را برای سعادت جامعه، ضروری می‌داند و تقسیم درست وظایف را لازمه مشارکت بهینه دو بخش عنوان می‌کند. امام، سود و منفعت هر طرف را در گرو منفعت طرف دیگر بیان می‌نماید. در واقع، شفاف سازی و تعهد به اجرای درست وظایف از الزامات مشارکت معرفی می‌شود. در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن‌که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت می‌یابد (خطبه ۲۱۶). امام در همین خطبه، پیامدهای عدم تقسیم، شفاف سازی و تعهد به وظایف را با عبارت از بین رفتن «وحدت کلمه» تشریح می‌نماید بطوریکه با اهمال تعهدات، اهداف مشترک دو طرف کمرنگ می‌شود و پایمال شدن حقوق و انحطاط جامعه را به دنبال دارد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد. حضرت در ادامه تشریح می‌کند که هیچ حقی، بدون تکلیف برای دولت و مردم وجود ندارد و اجرای درست تعهدات و وظایف توسط هر دو طرف مشارکت ضروری است. علی علیه السلام، مشارکت دولت و مردم را در محیط مبتنی بر عدالت و انجام درست تعهدات و وظایف، در کنار اصلاح و بهبود متقابل تعریف می‌نماید و در این میان تقسیم منطقی حق و مسئولیت و همچنین ظرفیت‌سازی را ضروری می‌داند. درست است که هیچ‌کس نمی‌تواند حق اطاعت خداوندی را چنان‌که باید به‌جای آورد، لیکن باید به مقدار توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپاداشتن حق و یاری‌دادن به یکدیگر است. هیچ‌کس، هرچند ارزش او در دین زیاد باشد، بی‌نیاز نیست و هیچ‌کس گرچه مردم او را خوار شمارند و

در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند و یا دیگری به یاری او برخیزد.

۲/۱. پیشینه تجربی

در جدول ۱. مطالعات انجام‌شده نزدیک به این پژوهش، جمع‌بندی شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش			
عنوان پژوهش	پژوهشگران	سال	مهم‌ترین یافته‌ها
مبانی تعامل مردم و حکومت از منظر تفسیر المیزان	میثم لطیفی، حسن دانایی‌فرد، فاطمه رحمانی	۱۳۹۸	بر اساس این تحقیق، مبانی دهگانه تعامل مردم و حکومت عبارت‌اند از توحید محوری در تعاملات، ربوبیت در امتداد حاکمیت مطلق خدا و اطاعت از فرمان‌ها خدا و پیامبران، معاد محوری در تعاملات، باور به حضور در محضر الهی، باور به تقدم جامعه بر فرد، تلازم حق و تکلیف، حق‌گرایی به‌جای کثرت‌گرایی، حاکمیت عقل بر احساسات، آزادی در محدوده اصول، برادری و اصلاح. روش پژوهش: کیفی و بر اساس شیوه دلالت پژوهی
طراحی الگوی مفهومی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی در نهج البلاغه	رضا واعظی، هادی خان محمدی، مصطفی دلشاد تهرانی، حسین اصلی‌پور	۱۳۹۷	در این تحقیق عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در دو دسته (عوامل پیش‌برنده و بازدارنده) تقسیم می‌شود که هر یک از آن‌ها می‌تواند منشأ مردمی و دولتی داشته باشد. روش پژوهش: کیفی و بر اساس تحلیل مضمون
حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>	سید محمد موسوی بجنوردی، راحله صفایی	۱۳۸۸	در این تحقیق، «حق» و «تکلیف» متقابل مردم و حکومت مورد بررسی قرار گرفته است. حقوق مردم شامل حق نصیحت و خیرخواهی، حق آزادی، حق عدالت و برابری و مساوات، حق امنیت، حق نظارت، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ کرامت‌ها و ارزش‌های انسانی بیان می‌شود و از سوی دیگر، مردم ملزم به تبعیت و وفای به عهد خود نسبت به بیعتی که به رهبر کرده‌اند و اطاعت کامل از حاکم و اجرای اصل نصیحت و خیرخواهی نسبت به وی می‌باشند. روش پژوهش: تحلیل مضمون
حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه	زین العابدین گل‌صنم‌لو، عبدالله موحدی‌محب	۱۳۹۰	هدف حکومت دستیابی به قرب الهی است. زمامداران لازم است تا حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان مسلمان و غیرمسلمان را رعایت نمایند و مردم باید نسبت به تعهد و بیعتی که با رهبر جامعه بسته‌اند، وفادار بمانند. روش پژوهش: تحلیل مضمون



<p>فعالیت‌های اقتصادی امام علی <small>علیه السلام</small> راهبرد کاهش آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه</p>	<p>مهتاب عشقی عراقی</p>	<p>۱۳۹۸</p>	<p>این پژوهش نشان می‌دهد که امام علی <small>علیه السلام</small> ضمن دفاع از اصول و موازین دین مبین اسلام، از کار و تلاش و فعالیت اقتصادی در مسیر احیا و آبادانی جامعه دریغ نکردند و نتیجه‌گیری می‌کند که پایبندی به آموزه‌های دینی و عمل به سیره امام <small>علیه السلام</small> سد محکمی در برابر آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. همچنین در این مقاله راهکارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی از نگاه امام علی <small>علیه السلام</small> در اقداماتی نظیر گسترش عدالت، کوشش برای بهبود وضعیت مردم، مبارزه با فساد، کنترل اخلاقی و عملی کارگزاران و بهبود کار و بهره‌وری تبیین شده است. روش پژوهش: استنادی و تحلیل محتوا</p>
<p>تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی <small>علیه السلام</small></p>	<p>محمد علینی، غلامرضا غفاری</p>	<p>۱۳۹۴</p>	<p>روابط اجتماعی در سطح خرد، شامل رابطه خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها و دوستان (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی) می‌شود و در سطح کلان، روابط زامدار اسلامی با مسلمانان در جامعه اسلامی که به اعتماد فراگیر در سطح عمودی بین زامدار و مردم و سطح افقی بین مردم با یکدیگر منتهی می‌گردد. بر اساس یافته‌های این بررسی، رهنمودهای امام از حیث گفتاری و کرداری می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی داشته باشد. همبستگی و همگرایی انسان‌ها، منجر به شکل‌گیری ارتباطات می‌شود که به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر می‌گردد. روش پژوهش: تحلیل محتوای کیفی مضمونی</p>
<p>جایگاه مشارکت سیاسی اجتماعی مردم، از منظر دینی، با تکیه بر آیات قرآنی و نهج البلاغه</p>	<p>یدالله ملکی</p>	<p>۱۳۹۶</p>	<p>این تحقیق بیان می‌کند که دین اسلام، دینی اجتماعی است و اهمیت بسیاری به مشارکت عمومی می‌دهد. همچنین، مؤلفه‌های آزادی، برابری، انتقادپذیری را پیش‌شرط مشارکت عمومی اثربخش تعریف می‌نماید.</p>
<p>الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه</p>	<p>هادی خان محمدی، رضا واعظی و مصطفی دلشاد تهرانی</p>	<p>۱۳۹۳</p>	<p>الگوی مشارکت مردم با دولت، امری تعاملی است و بر اساس اصلاح طرفین و مبتنی بر ادای حق و تکلیف متقابل و با حسن همکاری می‌باشد. همچنین الگوی مشارکت شهروندی بر اساس ارزش‌های بنیادین حکومت اسلامی شکل می‌گیرد. روش پژوهش: کیفی و بر اساس تحلیل مضمون</p>
<p>شاخص‌های ارتباط مطلوب مردم با زمامدار در نهج البلاغه</p>	<p>سهراب مروتی، زهرا رضایی</p>	<p>۱۳۹۲</p>	<p>بر اساس این تحقیق، ارتباط مطلوب میان مردم و زمامدار بر اساس یک رابطه دوطرفه شکل می‌گیرد و داشتن چنین رابطه‌ای به تعلیم و تربیت و پیشرفت فرهنگ سیاسی مردم نیازمند است. شاخص‌های این ارتباط مطلوب شامل: حق‌گویی و حق‌گرایی، مدارا، نرمی و دوری از تحمیل، تأمین رفاه عمومی، دوری از طبقه‌گرایی، عدالت محوری، ظلم‌ستیزی، همدلی، آرامش و امنیت، انتقاد محوری، پاسداری از کرامت انسانی و حرمت افکار عمومی، آزادی بیان، حق انتخاب‌گری، محبت و مهرورزی می‌باشد.</p>

پژوهش‌های متعددی با موضوع مشارکت مردمی (شهروندی) از منظر قرآن و حدیث انجام شده و همچنین مطالعات متفاوتی نیز در خصوص رابطه مردم و زمامداران از دیدگاه امام علی علیه السلام صورت پذیرفته که مرجع آن صرفاً مجموعه نهج البلاغه نبوده است. اما نمی‌توان بخش اعظمی از آن‌ها را در پیشینه پژوهش حاضر قرارداد. چراکه هدف تحقیق حاضر، «الگوسازی» مشارکت دولت و مردم از دیدگاه نهج البلاغه می‌باشد. لذا با تمرکز به موضوع پژوهش گستره تحقیقات انجام شده در این خصوص بسیار محدود می‌شود.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش باید بتواند حقایق علم را کشف نماید، بنابراین در مطالعات مبتنی بر متون اسلامی نیز باید روشی اتخاذ شود که امکان استنباط آموزه‌های اسلامی را داشته باشد. از آنجاکه هدف اصلی این پژوهش اکتشافی است و مسئله تحقیق، دستیابی به الگوی عوامل مؤثر در مشارکت دولت و مردم از متن نهج البلاغه است، روش تحقیق مناسب برای این پژوهش، تحقیق کیفی است و استراتژی «تحلیل مضمون^۱» به عنوان روش تحقیق پژوهش حاضر، در نظر گرفته شده است. روشی که با تفسیر و تعبیر متن همراه است و از طریق آن، تحلیلگر تلاش می‌کند تا ارتباط مطالب را حول موضوع مورد مطالعه، دریابد. «تحلیل مضمون»، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است و برای تحلیل داده‌های متنی استفاده می‌شود. شبکه مضامین^۲، روش مناسبی در تحلیل مضمون می‌باشد و بر اساس یک‌رویه مشخص شکل می‌گیرند که عبارتند از:

۱- مضامین پایه که شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن است. ۲- مضامین سازمان دهنده که مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه را نشان می‌دهد. ۳- مضامین فراگیر که شامل مضامین عالی و دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل می‌باشند. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۰). از آنجا که استنباط آموزه‌ها از متن نهج البلاغه نیازمند تسلط کامل به قواعد درک حدیث می‌باشد، لذا متن ترجمه نهج البلاغه ملاک عمل قرار گرفته است. بطوریکه واژگان

1. thematic analysis

2. thematic networks



و عبارات مرتبط با موضوع تحقیق از متون ترجمه نهج‌البلاغه شناسایی و با هدف دستیابی به گزاره‌های مرتبط با موضوع تحقیق، بررسی و سپس یافته‌ها به روش «تحلیل مضمون» طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است. روش گردآوری داده بر اساس روش کتابخانه‌ای است. بدین منظور، ابتدا تمام نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های مندرج در ترجمه نهج‌البلاغه به صورت اجمالی بررسی گردید. سپس با توجه به سؤال پژوهش، موارد مرتبط شناسایی و فیش برداری شد. در ادامه، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های شناسایی شده، به خبرگان ارائه گردید تا با توجه به میزان اهمیت و ارتباط آن با موضوع تحقیق اولویت‌بندی شود و در انتها نمونه‌های نظری مطابق جدول ۲. انتخاب گردیدند.

جدول ۲. نمونه‌های نظری تحقیق		
اولویت	نمونه نظری	متون
۱	خطبه‌ها	۲۱۶، ۱۳۱، ۳۴
	نامه‌ها	۵۳، ۴۵، ۳۱، ۵
۲	خطبه‌ها	۱۹۲، ۱۷۷، ۱۷۴، ۱۶۹، ۱۵۶، ۱۳۶، ۱۲۷، ۱۱۵، ۱۰۵، ۸۷، ۵۰، ۲۵، ۱۶، ۳
	نامه‌ها	۳۲۸، ۱۹۳، ۲۲۴
	حکمت‌ها	۷۴، ۶۹، ۶۲، ۶۰، ۵۰، ۴۷، ۴۳، ۴۱، ۴۰، ۲۶، ۲۵
۳	خطبه‌ها	۴۴۷، ۳۲۸، ۱۴۷، ۹۲
	حکمت‌ها	۲۲۰، ۱۹۰، ۱۸۳، ۸۳، ۶۵
	خطبه‌ها	۲۵۲، ۲۳۲، ۳۸

با توجه به ماهیت کیفی و روش کتابخانه‌ای پژوهش، تلاش شده تا با دقت موشکافانه در مفاهیم و لغات، بر اساس متن ترجمه نهج‌البلاغه، همچنین تطبیق با دیگر یافته‌های علمی موجود پایایی و روایی این تحقیق به نحو مناسبی تأمین شود. نظرسنجی از خبرگان در خصوص یافته‌های تحقیق، یکی دیگر از شیوه‌های اعتبارسنجی پایایی در روش کیفی است که مانع انحراف پژوهشگر از هدف اصلی تحقیق (به علت درگیری بیش از حد با ذهنیات خود) می‌شود در پژوهش حاضر از این روش اعتبارسنجی بهره گرفته شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

کدگذاری انجام‌شده از مجموعه نمونه نظری و مضمون‌های تعریف‌شده در جدول ۳. ارائه می‌شود:

جدول ۳. مضمون‌های پایه، سازمان دهنده و فراگیر			
مضمین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	متن
توحید		خدا از آن کس که تو را فرماندار مصر قرار داد، والاتر است	نامه ۵۳
		خدا حکومت را وسیله آزمودن والی قرار داد	نامه ۵۳
		حق خدا در اموال شماست	نامه ۲۵
		برای پاداش الهی عمل کنید	نامه ۴۷
معاد		رستگاران با پاس داشتن آن، سعادتمند و تبهکاران با ضایع کردن آن، به خسران رسیدند	خطبه ۱۹۰
		عمل به دستورات، مایه بزرگی پاداش تو خواهد شد	نامه ۲۵
		آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد	حکمت ۲۳۲
بنیان‌ها	حجت عقل بر احساس	ارزشمندترین بی‌نیازی، عقل است	حکمت ۳۸
		آن‌ها عقل خویش را از دست دادند و حق را ترك کردند	خطبه ۱۲۷
		به خدا پناه می‌بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها	خطبه ۲۲۴
		عقل خود را زنده کرد و نفس خویش را کشت	خطبه ۲۲۰
		حفظ عقل، پند گرفتن از تجربه‌هاست	نامه ۳۱
رابطه حق و تکلیف		مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است	خطبه ۳۴
		حقی بر کسی واجب نمی‌شود، مگر همانند آن را انجام دهد	خطبه ۲۱۶
		در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی است که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرد	خطبه ۲۱۶
		آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم	خطبه ۱۶
آزادی		خلف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند	نامه ۵۳
		در آزادی خویش، پیش از آن که درهای امید بسته شود، بکوشید	خطبه ۱۸۳
پیش شرطها	برابری و برادری	تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند	نامه ۳۱
		همه (انسان‌ها)، آفریده‌های او هستند	خطبه ۶۵
		دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند	نامه ۵۳
اعتماد و مشروعیت	اعتماد و مشروعیت	هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری به مردم نیست	نامه ۵۳
		به بیعت با من وفادار باشید	خطبه ۳۴
		در آشکار و نهان بر ایم خیرخواهی کنید	خطبه ۳۴



	اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، خلافت را رها می‌کردم	خطبه ۳
انتقادیابی	از مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنیم و از آن ایمن باشیم، نمی‌دانم	خطبه ۲۱۶
	دست خدا با جماعت است	خطبه ۱۲۷
تقدم جمع بر فرد	قدرت آنان پراکنده و جمعیت انبوهشان متفرق بود و در بلایی سخت و در جهانی فراگیر فرورفته بودند	خطبه ۱۹۲
	امر به معروف را ترك نکنید، که بدی‌های شما بر شما مسلط می‌گردند	نامه ۴۷
امر به معروف	امر به معروف، دو صفت از اوصاف پروردگازند	خطبه ۱۵۶
	خدا امر به معروف را، برای اصلاح توده‌های ناآگاه واجب کرد	حکمت ۲۵۲
	با دانشمندان، فراوان گفتگو کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، است	نامه ۵۳
کار و سازندگی	تلاش تو، در آبادانی زمین، بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد	نامه ۵۳
	خداوند شما را به کار و تلاش امر فرموده است	خطبه ۱۱۵
	هر باری را بر دوش کشور آباد بگذاری، مردم می‌توانند تحمل کنند	نامه ۵۳
	به موجب عدالت و رفتار خوشی که مردم را بدان مأنوس کرده‌ای، بدیشان اطمینان خواهی یافت	نامه ۵۳
	محبوب‌ترین کارها، اقداماتی است که در حق، سازگارترین و در عدل، فراگیرترین باشد	نامه ۵۳
	از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید	خطبه ۲۱۶
اخلاق محوری و عدالت	با گسترش عدالت در بین مردم، به آنان اطمینان خواهی داشت	نامه ۵۳
	محبوب‌ترین بنده نزد خدا، کسی است که خود را به عدالت وادارد	خطبه ۸۷
تکالیف- دولت	بدان که خرید و فروش باید آسان و بر اساس موازین عدل و به نرخی منصفانه باشد	نامه ۵۳
	حق مسلمانان در تقسیم بیت‌المال، مساوی است	نامه ۴۳
	آنچه را که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار	نامه ۳۱
	ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود	نامه ۳۱
	هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار	نامه ۵۳
	کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن نیز، برای او دشوارتر خواهد بود	خطبه ۲۱۶
شفافیت و پاسخگویی	هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار	نامه ۵۳
	قسمتی از حق و قسمتی از باطل را به هم می‌آمیزند، آنجاست که شیطان چیره می‌گردد	خطبه ۵۰
	حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی، هیچ رازی را از شما پنهان ندارم	نامه ۵۰

نامۀ ۴۱	اموال مردم را به آنان بازگردان که در غیر این صورت، تو را می کشم و خویشاوندی و نسب را رعایت نمی کنم	مبارزه با فساد	
نامۀ ۵۳	تنگدستی مردم، از روی کردن زمامداران به مال اندوزی و بدگمانی آن ها به ماندن خویش است		
نامۀ ۲۰	اگر گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، چنان بر تو سخت گیرم که درمانده و خوار شوی		
نامۀ ۲۶	بزرگترین خیانت، خیانت به ملت است		
خطبه ۱۰۵	مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور دارید، که ابتدا خود محرمات را ترک و سپس مردم را بازدارید		
خطبه ۱۳۱	رشوه خوار در قضاوت، نمی تواند امام باشد		
نامۀ ۵۳	خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می کنند	عدم خاص گری	
نامۀ ۵۳	کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، انتخاب کن	شایسته سالاری، تقسیم کار و ارزیابی عملکرد	
نامۀ ۳۱	کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن و او را در برابر آن کار مسئول بدان		
نامۀ ۵۳	در يك ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر يك از آنان را شناسایی کن		
نامۀ ۵۳	بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری و مهریانی آن ها با رعیت خواهد بود		
حکمت ۴۴۷	کسی که بدون آموزش، تجارت کند، به رباخواری، آلوده می شود	ظرفیت سازی و آموزش	
خطبه ۳۴	حق شما بر من، آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم		
خطبه ۳۴	حق شما بر من، این است که شما را آموزش دهم و تربیت کنم		
خطبه ۱۷۷	همبستگی و وحدت در راه حق، از پراکندگی در راه باطل، بهتر است		
خطبه ۱۹۲	آنگاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته های آنان یکی و دسته ای آنان مددکار یکدیگر بود		
نامۀ ۳۱	دانشی که سزاوار یادگیری نیست، سودی ندارد		
حکمت ۱۴۷	دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است و مال را، تو باید نگهبان باشی		
نامۀ ۵۳	کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، انتخاب کن، زیرا آینده نگری آنان بیشتر است.	برنامه ریزی	
نامۀ ۶۹	از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت بگیر		
نامۀ ۶۲	آیا نمی بینید که مرزهای شما را تصرف کردند؟ در خانه های خود نمانید، که به ستم گرفتار و به خواری دچار خواهید شد	حساس بودن به مسائل جامعه	تکالیف- مردم
نامۀ ۵۳	با افرادی مشورت کن که در حق گویی از همه صریح ترند، چه خوشایند تو باشد یا نباشد		



خطبه ۲۱۶	یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن است	
نامه ۲۵	مرا ولی خدا، به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل گیرم	مشارکت اقتصادی
نامه ۵۳	بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور اقشار جامعه می‌باشد	
نامه ۵۳	پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود	
نامه ۵۳	همه مردم، به مقداری که امورشان اصلاح شود، بر زمامدار، حقی مشخص دارند	
نامه ۳۱	اگر قدرت مالی داری، بیشتر اتفاق کن	
نامه ۶۰	شکایت‌های خود را به من برسانید، که با کمک خداوند آن را برطرف خواهیم کرد	نظارت و مطالبه‌گری
نامه ۴۰	بدان که حسابرسی خداوند، از حسابرسی مردم سخت‌تر است.	
نامه ۵۳	بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند	
نامه ۵۳	در مجلس عمومی با مردم بنشین	
خطبه ۳۴	اما حق من بر شما (مردم) این است که هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید	پیروی از قوانین و مقررات
خطبه ۱۶۹	تکلیف مردم به زمامدار، عمل کردن به کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبر ﷺ و قیام به حق و برپاداشتن سنت اوست	
خطبه ۳۴	اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید	مشارکت سیاسی (بیعت)
خطبه ۱۳۶	بیعت شما مردم با من بی‌مطالعه و ناگهانی نبود، پس برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید	
خطبه ۱۹۲	آنگاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی و اراده‌ها واحد و همسو بود	انسجام اجتماعی
نامه ۴۷	بر شما باد به پیوستن با یکدیگر	
خطبه ۱۲۷	همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است	
نامه ۷۴	گروهی، گروه دیگر را یاری می‌دهند و همه متحد می‌باشند و این پیمان را نمی‌شکنند	
خطبه ۱۶۹	من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم، صبر خواهیم کرد	

با مطالعه عمیق ترجمه نهج البلاغه، الگوی مشارکت دولت و مردم در سه لایه تبیین شده است که هسته مرکزی آن هدف اصلی مشارکت مذکور (رفاه، سعادت و منفعت عمومی جامعه) قرار دارد.

❖ لایه نخست، «بنیان‌ها»، مؤلفه‌های فلسفی و بینشی را شامل می‌شود و مشارکت در بستر آن شکل می‌گیرد. مفاهیم بسترساز، زمینه‌ای و نهادی در این لایه قرار دارد. مؤلفه‌های «توحید، معاد، رابطه حق و تکلیف، حجت عقل بر احساس» به‌عنوان مضامین اصلی دلالت‌کننده بر این لایه، از دیدگاه امام علی علیه السلام، استخراج شده است. این مؤلفه‌ها، ستون‌های عقیدتی و باورهای بنیادین جامعه اسلامی را در برمی‌گیرند.

❖ لایه دوم، پیش‌شرط‌های مشارکت را تشریح می‌کند. بدون وجود مؤلفه‌های پیش‌شرط، تدوین و اجرای وظایف در لایه سوم، معنا نمی‌یابد و ناموفق خواهد بود. این لایه با مضامین «آزادی، برابری و برادری، اعتماد و مشروعیت، انتقادپذیری، تقدم جمع بر فرد و امر به معروف»، تبیین شده است.

❖ لایه سوم، تکالیف و مسئولیت‌ها را بیان می‌کند که به دو حوزه دولت و مردم تقسیم شده است. «تکالیف دولت»، به وظایف کارگزاران دولتی اختصاص می‌یابد. مضامین این بخش شامل «کار و سازندگی، عدالت و اخلاق محوری، شفافیت و پاسخگویی، مبارزه با فساد، عدم خاص‌گرایی، شایسته‌سالاری، تقسیم کار و ارزیابی عملکرد، ظرفیت‌سازی و آموزش و برنامه‌ریزی» می‌شود. «تکالیف مردم»، مسئولیت‌های بخش مردمی را در مشارکت عنوان می‌نماید و مضامین «حساس بودن به مسائل جامعه و مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، نظارت و مطالبه‌گری، پیروی از قوانین و مقررات و انسجام اجتماعی» در این خصوص استخراج شده است. شایان‌ذکر است توجه به اولویت و ترتیب لایه‌ها و همچنین نهادینه کردن کلیه مؤلفه‌ها در هر لایه، در فرآیند مشارکت بسیار حائز اهمیت می‌باشد. عدم توجه به اولویت‌بندی صورت گرفته و نادیده گرفتن برخی مؤلفه‌ها در هر لایه قطعاً منجر به شکست اجرای مؤلفه‌های لایه بعدی و در انتها عدم موفقیت مشارکت خواهد شد. در ذیل هر کدام از مؤلفه‌های فوق‌الذکر، از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه تبیین و تشریح شده است:

مؤلفه‌های بنیادین - لایه اول

عدم توجه به مؤلفه‌های نهادی و بسترساز مشارکت، یکی از مهم‌ترین موانع در شکل‌گیری مشارکت دولت و مردم می‌باشد که تاکنون به آن پرداخته نشده است. مؤلفه‌های بسترساز، ستون‌های عقیدتی و



باورهای بنیادین می‌باشند که اساس یک جامعه بر آن استوار و در بینش و نگرش کلیه اقشار جامعه نهادینه شده است. مؤلفه‌های این لایه عبارت‌اند از:

❖ **توحید:** توحید مبنای اخلاقی برای مشارکت عمومی است و تعهد افراد به جامعه را افزایش می‌دهد. باور توحیدی، مشارکت اجتماعی را یک وظیفه شرعی می‌داند که عمل به آن موجب خشنودی پروردگار می‌شود. بر اساس آن مالک حقیقی حکومت خداست و مالکیت انسان‌ها در حکومت صرفاً اعتباری بوده و به اذن خدا انجام می‌شود. با این بینش هر دو بخش دولت و مردم باور دارند که «مشارکت» برای رضایت و خدمت به پروردگار می‌باشد و چنانچه در مسیر مشارکت دچار آسیب و ضرر شوند، پاداش الهی آن را دریافت خواهند کرد. بنابراین انگیزه قوی‌تری برای هر دو بخش مشارکت‌کننده ایجاد می‌گردد. در واقع ماهیت مشارکت برای هر دو بخش به‌عنوان خیر دنیوی و سعادت اخروی تلقی می‌شود.

❖ **معاد:** اعتقاد به معاد انگیزه لازم در جامعه را ایجاد می‌کند تا از فرمان الهی و حکومت اسلامی تبعیت نمایند. معاد باوری به افراد بینش لازم را می‌دهد که مشارکت علاوه بر پاداش دنیوی، اجر اخروی را نیز به همراه خواهد داشت. به این ترتیب، آن‌ها نیازی به محرک بیرونی برای مشارکت نخواهند داشت و مشارکت به صورت خودجوش صورت می‌پذیرد. اعتقاد به توحید و معاد باعث می‌گردد افراد وظایف خود را در قبال جامعه مدنظر قرار داده و به آن عمل نمایند و مسئولیت‌پذیر و متعهد باشند.

❖ **حجت عقل بر احساس:** مشارکت دولت و مردم به یک منطق بنیادین نیاز دارد تا بر اساس آن انگیزه لازم برای مشارکت ایجاد شود. دین اسلام مشارکت را بر اساس منطق تعقل توجیه می‌کند. بر اساس منطق تعقل، انسان زمانی که تشخیص دهد که انجام یک عمل سودمند خواهد بود، انگیزه عمل ایجاد می‌گردد. در جامعه اسلامی، مشارکت دولت و مردم بر اساس اصل مذکور تنظیم شده است. اسلام افراد را بالغ و دارای تعقل می‌داند که همین امر ضامن اجرای قوانین اجتماعی است.

❖ **رابطه حق و تکلیف:** «حق» و «تکلیف» در حکومت شامل حقوق متقابل مردم و دولت می‌شوند. انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی انسان‌ها حقوق متقابل را برای آنان ضرورت می‌بخشد. به این معنا که انسان‌ها در برابر یکدیگر دارای حق می‌باشند و این حق آن‌ها را به انجام یکسری امور مکلف می‌سازد. به این ترتیب، در تعالیم اسلامی «حق» (نظیر مشارکت عمومی)، ضمانت اجرایی می‌یابد. زمانی جامعه به سعادت و منفعت عمومی می‌رسد که هر دو گروه (دولت و مردم) تکالیف خود را انجام دهند و حقوق یکدیگر را محترم بشمارند. اگر این همکاری تحقق یابد، به تعبیر امام علی علیه السلام مردم صالح

و سعادت‌مند خواهند شد و در صورت قصور جامعه دچار آشوب می‌گردد. اصولاً در نظام اجتماعی حق یک‌طرفه معنا ندارد به‌ویژه در جامعه اسلامی که بر اساس عدالت پایه‌ریزی شده است.

پیش‌شرطها - لایه دوم

مشارکت دولت و مردم، نیازمند پیش‌شرطهای اصولی است که نه‌تنها مردم را به مشارکت ترغیب نماید، بلکه مشارکت را به وظیفه‌ای خطیر برای آنان مبدل سازد. به‌طوری‌که هم‌بخش مردمی تلاش برای بهبود امور عمومی را تکلیف خود بدانند و هم مسئولین دولتی دخالت مردم در امور دولتی را رکن اصلی برنامه‌های خود تلقی نمایند. از دیدگاه امام علی علیه‌السلام جامعه مطلوب بر اساس ایجاد روابط منطقی در جامعه و رعایت حقوق افراد شکل و تداوم می‌یابد.

❖ آزادی: یکی از اصول مهم در اسلام، آزادی افراد می‌باشد و همواره تأکید می‌شود که انسان‌ها فقط بنده خداوند می‌باشند. البته آزادی در اسلام در چهارچوب قوانین اسلامی معنا می‌یابد و آزادی بی‌قید و شرط را منع می‌کند. چراکه بی‌بندوباری جامعه را به فساد و انحطاط سوق می‌دهد.

❖ برابری و برادری: امام نگاه یکسان به‌کل افراد جامعه دارد و افراد جامعه را از نقطه‌نظر «تکوینی - عدم تمایز در آفرینش» و «تشریحی - حق و تکلیف برای همه افراد جامعه» برابر می‌داند. این بینش همان تعامل سازنده بین افراد جامعه می‌باشد که وحدت جامعه را به همراه خواهد داشت و درک لازم برای پیاده‌سازی سایر مؤلفه‌های مشارکت را مهیا می‌سازد.

❖ انتقادپذیری: دین اسلام همواره زمامداران را به این خصلت پسندیده توصیه می‌نماید. البته یکی از نمادهای بارز فرهنگ انتقادپذیری وجود آزادی در جامعه است.

❖ اعتماد و مشروعیت: دو مؤلفه مهم در شکل‌گیری مشارکت می‌باشند که امام علی علیه‌السلام به آن‌ها تأکید دارد. امام همواره بر خیرخواهی تأکید دارد که بر اعتماد و اطمینان دوطرفه دلالت می‌کند و انگیزه مشارکت را در جهت سعادت جامعه اسلامی شکل می‌دهد. در واقع «خیرخواهی» مشارکت مبتنی بر اعتماد، مشروعیت و مقبولیت تعریف می‌شود. از سویی دیگر «بیعت»، نماد مشروعیت در جامعه اسلامی است و امام مشروعیت در جامعه اسلامی را یک اصل برای مشارکت معرفی می‌کند و با اینکه خود را منصوب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صاحب حق واقعی برای زمامداری می‌داند، زمانی که امور به انتخاب مردم واگذار

می‌شود، رای مردم را محترم می‌شمارد و سکوت اختیار می‌نماید و تنها زمانی که اکثریت مردم با ایشان بیعت می‌کنند، خلافت را می‌پذیرد.

❖ تقدم جمع بر فرد: انسان موجودی اجتماعی است و تنها در اجتماع قادر به پاسخگویی نیازهای خود می‌باشد. دین اسلام جامعه را زمینه‌ساز اصلی رشد و تربیت انسان‌ها می‌داند. آموزش و توانمندی افراد در بستر جامعه مهیا می‌شود و جامعه مسیری است که انسان را به هدف اصلی خود یعنی قرب الهی هدایت می‌کند. تعالی و کمال انسان در گرو اجتماعی بودن اوست و مشارکت اجتماعی علاوه بر رشد جامعه منجر به تعالی فرد نیز می‌شود. امام مشارکت را وسیله‌ای برای یک ارزش والاتر (کمال جامعه و سعادت و منفعت عمومی) معرفی می‌کند.

❖ امر به معروف: به معنای ترغیب جامعه برای انجام کار پسندیده می‌باشد و کل جامعه را در عرصه‌های اجتماعی در برمی‌گیرد. ماهیت امر به معروف نیازمند مشارکت و حضور فعال جامعه است. امام پذیرش مسئولیت و مشارکت از طریق «امر به معروف» را ضامن ثبات و پایداری حکومت بیان می‌کند.

تکالیف دولت - لایه سوم

حکومت برای امام علیه السلام هدف نیست، بلکه یک وظیفه است. ایشان زمامداری را ابزاری برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی جامعه می‌داند و کارگزاران حکومت را «رهبر و خدمتگزار» جامعه خطاب می‌کند که باید ضمن وفای عهد و حفظ اعتماد مردم جامعه را به سمت سعادت هدایت نمایند. همچنین «خدمتگزاری» را شرط اصلی حکومت و مسئولیت دولتی را امانتی بر گردن مدیران عنوان می‌کند.

❖ کار و سازندگی: امام، برقراری نظم و قانون و صرف نمودن درآمد دولت برای امور زیرساختی و آبادانی را از مهم‌ترین مسئولیت‌های زمامداران عنوان می‌کند و سازندگی را ستون اصلی «رفاه عمومی و کاهش فقر» بیان می‌نماید.

❖ اخلاق محوری و عدالت: حکومت مورد نظر امام علی علیه السلام شامل سه مؤلفه کلیدی «حق محوری»، «عدالت» و «مردم‌داری» می‌شود. ایشان رهبران را الگوی جامعه معرفی می‌نماید و اخذ عادلانه مالیات و خرج منصفانه آن را یکی از راهکارهای ارتقا رفاه جامعه برمی‌شمارد و رعایت انصاف و عدالت را در بهبود رابطه تعاملی دولت و مردم و مشارکت آنان در امور جامعه مهم می‌داند.

❖ شفافیت و پاسخگویی: لازمه مشارکت دولت و مردم داشتن يك سیستم پاسخگویی شفاف است. امام بی‌توجهی به شفافیت و پاسخگویی را نشانه عدم آگاهی و تنگ‌نظری رهبران می‌داند.

- ❖ مبارزه با فساد: فساد یکی از چالش‌های مهم در دولت‌ها به شمار می‌رود. فساد اعتماد مردم به دولت را خدشه‌دار می‌سازد و ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی را متزلزل می‌کند. امام برخورد با مدیر فاسد را لازمه حکمرانی اسلامی می‌داند و فرقی میان خویشاوند و یا غیر خویشاوند قرار نمی‌دهد.
- ❖ عدم خاص‌گرایی: در سیستم‌های ضد توسعه مسئولیت‌ها بر اساس وابستگی‌های جناحی، قومی و خویشاوندی توزیع می‌شوند و نگاه افراد به حکومت سودجویانه است و برای کسب منفعت، رقابت ناسالم دارند. امام، خاص‌گرایی را باری سنگین بر دوش حکومت می‌داند و آن‌ها نفی می‌کند.
- ❖ شایسته‌سالاری، تقسیم‌کار و ارزیابی عملکرد: استقرار و دوام حکومت بدون کارگزاران شایسته امکان‌پذیر نیست. یکی از مقوله‌های موردتوجه امام بکارگیری نیروهای شایسته و کارآمد در پست‌های حکومتی بود. امام علاوه بر اینکه در انتخاب کارگزاران شایسته‌سالاری را مدنظر قرار می‌دهد، بر عملکرد آن‌ها نیز نظارت دارد و در نامه‌ای به امام حسن علیه‌السلام، به نظارت بهینه بر عملکرد کارگزاران دولت اشاره می‌فرماید (نامه ۳۱). ایشان، به‌روشنی به سیستم ارزیابی عملکرد و اعطای دستمزد مبتنی بر کارکرد که یکی از راهکارهای بهبود در مدیریت دولتی مدرن می‌باشد، تأکید دارد. همچنین به پرداخت حقوق مناسب و کافی به کارگزاران دولتی به‌منظور جلوگیری از فساد و نظارت و بازرسی مستمر آنان تأکید می‌کند.
- ❖ ظرفیت‌سازی و آموزش: امام پیش‌شرط ظرفیت‌سازی را «وفاداری به بیعت» معرفی می‌کند. ایشان، «وحدت و انسجام اجتماعی» را لازمه ظرفیت‌سازی و مشارکت عنوان می‌نماید و مشارکت میان مردم و زمامدار را مبتنی بر یک رابطه دوطرفه بیان و برخورداری از چنین رابطه‌ای را مستلزم تعلیم و تربیت و توانمندسازی مردم می‌داند.
- ❖ برنامه‌ریزی: امام برنامه‌ریزی و آینده‌نگری را از شاخص‌های حکمرانی جامعه اسلامی عنوان می‌کند.

تکالیف مردم- لایه سوم

- شهروندی یک نقش اجتماعی مهم، که بر اساس احساس تعلق اجتماعی به جامعه شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که در آن حقوق شهروندان نهادینه نباشد، رابطه مردم و دولت مستحکم نمی‌باشد. در واقع، رشد و تعالی هر نظام اجتماعی، در پرتو همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی آن جامعه میسر می‌شود.
- ❖ حساس بودن به مسائل جامعه و مشارکت در تصمیم‌گیری: دولت‌ها همواره با موضوعات گوناگونی مواجه می‌باشند و تصمیم‌گیری مناسب در خصوص مسائل مختلف یکی از چالش‌های مهم



بخش دولتی است. شهروند توانمند با درک دقیق مسائل و مشارکت در عارضه‌یابی مشکلات به دولت کمک می‌کند تا تصمیمات مناسبی اتخاذ نماید. امام علیه السلام در خصوص آگاهی مردم از وقایع روز و مشارکت آنان تأکید می‌کند و عدم مشارکت مردم با دولت را منجر به خواری کل جامعه می‌داند.

❖ مشارکت سیاسی (بیعت): «بیعت»، یکی از مظاهر آشکار آزادی سیاسی در اندیشه اسلامی است که با اراده جمعی مردم و تعامل بین دولت و مردم شکل می‌گیرد. ماهیت «بیعت»، بر مشروعیت نظام سیاسی و دولتی دلالت دارد. امام بیان می‌کند که طی فرآیند بیعت مردم موظف می‌شوند که زمامدار خود را در مشکلات جامعه یاری نمایند. در واقع «بیعت» با آگاهی کامل (بدون اجبار و تحمیل) و بر اساس حس تعهد مردم انجام می‌پذیرد و منجر به بهبود وضعیت جامعه می‌شود.

❖ مشارکت اقتصادی: یکی از منابع درآمد دولت‌ها اخذ مالیات است. امام پرداخت مالیات را تکلیف الهی مردم بیان می‌کند که در انجام آن نظیر کلیه احکام شرعی باید عمل نمایند. ایشان مشارکت اقتصادی را به‌عنوان راهکاری جهت تقویت دولت معرفی می‌کند. البته مشارکت اقتصادی را منحصر به مالیات نمی‌داند و تأکید می‌کند که در کلیه زمان‌هایی که دولت با نیاز مالی (بحران) جهت بهبود جامعه مواجه باشد، وظیفه مردم جامعه است که در این حوزه وارد شوند.

❖ نظارت و مطالبه‌گری: امام علیه السلام به «احساس تعهد به جامعه»، «ارزیابی عملکرد بخش دولتی» و «نگاه انتقادی و اصلاحی به دولت» اشاره می‌کند و مشارکت مردم و دولت را زمانی مطلوب می‌داند که دولت در میان مردم باشد و مستقیماً بازخوردهای مردمی را دریافت نماید. امام به لغت «موعظه» تأکید می‌کند که بر نقش نظارتی و ارائه بازخورد مردم به حکومت و دولت دلالت دارد. ایشان، از واژه «نصیحت» استفاده می‌کند که حاکی از تعهد، نظارت، اصلاح و بهبود در مشارکت دولت و مردم است.

❖ پیروی از قوانین و مقررات: یکی از وظایف مردم در قبال دولت پایبندی به قوانین و مقررات حکومت اسلامی است که امام علیه السلام به‌عنوان حق دولت بر مردم از آن یاد می‌کند.

❖ حفظ انسجام اجتماعی: بخش مردمی باید همواره در حفظ وحدت و یکپارچگی تلاش نماید. با مشارکت دولت و مردم است که مسائل پیچیده رفع و برنامه‌های بلندمدت اجرایی می‌شود. ایشان «صلح و وحدت» را در سایه «رعایت قوانین و ایجاد نظم» بیان می‌کند و جامعه را از تفرقه و جدایی بر حذر می‌دارد. در شکل ۱. الگوی مفهومی سه لایه‌ای متشکل از عوامل مؤثر در مشارکت دولت و مردم از دیدگاه نهج البلاغه ارائه شده است.

شکل ۱. الگوی مفهومی مشارکت دولت و مردم از دیدگاه نهج البلاغه



۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در عصر حاضر دولتها با چالشهای متعددی مواجه می‌باشند و به تنهایی قادر به پاسخگویی تقاضاهای متعدد جامعه متغیر نمی‌باشند. بنابراین بهبود کیفیت زندگی جامعه امروز در گرو مشارکت کلیه سطوح مردمی است. حکومت اسلامی بر پایه احکام الهی و بر اساس رضایت اکثریت مردم شکل می‌گیرد و از آنجا که منشا الهی دارد و بر سنت پیامبر ﷺ استوار است، ظرفیت پاسخگویی مشکلات و مسائل دنیوی را دارا می‌باشد. مسئله این است که چگونه می‌توان از خلال آموزه‌های اسلام الگویی ارائه نمود که در مدیریت دولتی امروزی در حوزه مشارکت دولت و مردم موثر باشد. مطالعات متعددی در خصوص مشارکت مردمی از دیدگاه امام علی علیه السلام انجام شده است و بر اساس نتایج آن‌ها وظایف مردم و حکومت، عوامل بازدارنده و پیش‌برنده مشارکت و نوع رابطه مردم و زمامدار تشریح گردیده است. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت شهروندی به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در ادبیات مدیریت دولتی نه‌تنها با مبانی اسلامی مغایرتی ندارد، بلکه آموزه‌های غنی اسلامی بر آن تأکید جدی داشته است. پژوهش حاضر، علاوه بر مطالعه عمیق این رابطه و بررسی تکالیف طرف‌های مشارکت‌کننده به‌صورت یک رویکرد نوآورانه مؤلفه‌های بنیادین و پیش‌شرط مشارکت را از دیدگاه نهج‌البلاغه مطرح و بر تقدم و نهادینه سازی آنان قبل از تدوین وظایف و تکالیف تأکید می‌نماید. این پژوهش تلاش کرده است تا در قالب ارائه یک الگوی مفهومی سه لایه‌ای مشارکت دولت و مردم را تبیین نماید و بر تحقق کلیه مؤلفه‌ها تأکید دارد. در این راستا، تخصصی نمودن الگو مذکور در ابعاد مختلف مدیریت دولتی نیازمند تلاش پژوهشی مجزایی می‌باشد. همچنین اولویت‌بندی مؤلفه‌های استخراج‌شده در هر لایه با توجه به شرایط بومی و اقتضایی موضوع دیگری است که در آینده باید به آن پرداخته شود.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۸ ش، محمد بن حسین شریف رضی رحمته الله، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱. خان محمدی، هادی، واعظی، رضا و دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۳ ش، الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر نهج البلاغه. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، شماره ۷، ۴۸-۲۵.
 ۲. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد، ۱۳۹۰ ش، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*. سال ۵، شماره ۲، ۱۵۱-۱۹۸.
 ۳. عشقی عراقی، مهتاب، ۱۳۹۹ ش، فعالیت‌های اقتصادی امام علی علیه السلام راهبرد کاهش آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. *فصلنامه دانش انتظامی مرکزی*. شماره ۲۸، ۱۲۰-۹۱.
 ۴. علینی، محمد و غفاری، غلامرضا، ۱۳۹۴ ش، تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی علیه السلام. *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*. دوره ۲، شماره ۴، ۱۲۰-۹۲.
 ۵. گل صنم لو، زین العابدین و موحدی محب، عبدالله، ۱۳۹۰ ش، حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه. *مطالعات تفسیری*، شماره ۷، ۱۵۲-۱۲۷.
 ۶. لطیفی، میثم، دانایی فرد، حسن و رحمانی، فاطمه، ۱۳۹۸ ش، مبانی تعامل مردم و حکومت از منظر تفسیر المیزان. *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱، ۲۶۹-۲۴۳.
 ۷. مروتی، سهراب و رضایی، زهرا، ۱۳۹۲ ش، شاخص‌های ارتباط مطلوب مردم با زمامدار در نهج البلاغه. *پژوهشنامه نهج البلاغه*. دوره ۱، شماره ۱، ۳۷-۲۵.
 ۸. ملکی، یدالله، ۱۳۹۶ ش، جایگاه مشارکت سیاسی اجتماعی مردم، از منظر دینی، با تکیه بر آیات قرآنی و نهج البلاغه. *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی و کلامی*. سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۱۸-۹۷.
 ۹. موسوی بجنوردی، سید محمد و صفایی، راحله، ۱۳۸۸ ش، حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام. *متین*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۲۶-۲.



۱۰. واعظی، رضا، خان محمدی، هادی، دلشاد تهرانی، مصطفی و اصلی پور، حسین، ۱۳۹۷ش، طراحی الگوی مفهومی عوامل پیش برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی در نهج البلاغه. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، دوره ۲۶، شماره ۲، ۸۹-۶۵.
11. Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2: 77-101
12. Casady, C. B. Eriksson, K. Levitt, R. E. & Scott, W. R. (2019). (Re) defining public-private partnerships (PPPs) in the new public governance (NPG) paradigm: an institutional maturity perspective. *Public Management Review*, 1-23. doi:10.1080/14719037.2019.1577909
13. Evans, B. marko J. Sundback, S. and Theobald, k. (2005). *governing sustainable cities*, Earthscan, London
14. Jomo, K. Chowdhury, A. Sharma, K. and Platz, D. (2016). Public-Private Partnerships and the 2030 Agenda for Sustainable Development: Fit for purpose? Department of Economic & Social Affairs. *DESA Working Paper* No. 148 ST/ESA/2016/DWP/148. <https://doi.org/10.18356/f42bd4bb-en>
15. Matos-Castaño, J. A. Mahalingam, and G. Dewulf. (2014). "Unpacking the Path-Dependent Process of Institutional Change for PPPs." *Australian Journal of Public Administration* 73 (1): 47-66. doi:10.1111/1467-8500.12062.
16. Osborne, S. P. (2000). *Public-Private Partnerships: Theory and Practice in International Perspective*. London: Routledge.
17. Soecipto, R. M. & Verhoest, K. (2018). Contract stability in European road infrastructure PPPs: how does governmental PPP support contribute to preventing contract renegotiation? *Public Management Review*, 20(8), 1145-1164. doi:10.1080/14719037.2018.1428414
18. Villani, E. Greco, L. & Phillips, N. (2017). *Understanding Value Creation in Public-Private Partnerships: A Comparative Case Study*. *Journal of Management Studies*, 54(6), 876-905. doi:10.1111/joms.12270

19. Xiong, W. & Zhu, D. (2017). *Public private partnership towards sustainability: An analysis of object, subject and process*. Journal of Tongji University (Social Science Edition), 28(1), 76-83.
20. Klijn, E.-H., & Teisman, G. R. (2003). *Institutional and Strategic Barriers to Public—Private Partnership: An Analysis of Dutch Cases*. Public Money & Management, 23(3), 137-146.